

بررسی تأثیر مخارج نظامی و مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی کشورهای جهان

صفی الله بخشعلی^۱، محمد مهدی^۲، حسین بخشعلی^۳

چکیده

مخارج نظامی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر متغیرهای کلان اقتصادی به خصوص رشد اقتصادی است. چرا که ممکن است با افزایش مخارج نظامی امنیت و ثبات اقتصادی افزایش یابد و منجر به افزایش سرمایه گذاری های داخلی و خارجی شود که این امر باعث افزایش اشتغال، تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی می گردد. از طرف دیگر ممکن است افزایش غیر متعارف مخارج نظامی، منجر به محدودیت هایی در تامین منابع مالی شده، در نتیجه رشد اقتصادی را کاهش دهد.

تحقیق پیش رو به بررسی تأثیر مخارج نظامی و مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی کشورها با به کارگیری داده هایی از ۷۳ کشور جهان برای دوره زمانی ۲۰۲۰ - ۱۹۸۰، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل تکنیک رگرسیون داده های تلفیقی (داده های پنل) پرداخته است. با انجام آزمون نرمال بودن داده ها، آزمون ریشه واحد جهت تعیین پایایی و آزمون ناهمسانی واریانس ها مشخص شد که مخارج مصرفی دولت با تفاضل گیری مرتبه اول پایا می گردد. همچنین برای انتخاب مدل مناسب از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن استفاده شده که مدل پنل با اثرات ثابت انتخاب و به کار گرفته شده است. یافته های تحقیق بیانگر آن است که مخارج نظامی دولت بر حسب درصدی از GDP دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورها بوده و مخارج مصرفی دولت بر حسب درصدی از GDP دارای اثر منفی معنادار بر رشد اقتصادی کشورها می باشد.

واژه های کلیدی: مخارج نظامی دولت، مخارج مصرفی دولت، رشد اقتصادی، مدل داده های تلفیقی

۱ - دکتری اقتصاد سنجی و بین الملل، عضو هیات علمی دانشگاه امام علی(ع)، تهران، ایران. bakhshali93@gmail.com (نویسنده مسئول)

۲ - دکتری مالی، عضو هیات علمی دانشگاه امام علی(ع)، تهران، ایران. Mohamad.mehdi@ut.ac.ir

۳ - کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار - استراتیژی، bhossein2019@gmail.com

مقدمه

اقتصاد از ناحیه فعالیت های نظامی می تواند رشد یابد و یا مورد آسیب قرار گیرد. بعضی از کشورهای جهان از طریق تولید و فروش تسلیحات جنگی توانسته اند ارزش قابل توجهی را بدست آورند. شعله ور شدن آتش جنگ در نقاط مختلف جهان تا حدودی متاثر از ملاحظات اقتصادی تولیدکنندگان این سلاح ها و فراهم آمدن بستر لازم برای تحقیقات بیشتر در خصوص سلاح های پیشرفته، همیشه مورد توجه تولیدکنندگان بوده است. در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه وضعیت تا حدود زیادی متفاوت و بر عکس است به طوری که در کشورهای مزبور، هزینه های نظامی که معمولاً برای تامین امنیت صرف می شود، توان اقتصادی کشورها را تحلیل برده و در نتیجه معیشت و فرایند توسعه را تحت تاثیر قرار می دهد.

از مخارج نظامی به عنوان یکی از عوامل موثر و کلیدی در تامین امنیت می توان نام برد، مهمترین اثرات اقتصادی امنیت در پدیده سرمایه گذاری و رشد اقتصادی تبلور می یابد. سرمایه گذاری نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد و روند شکل گیری منبعث از عوامل مختلفی است. یکی از مهمترین عوامل اثرگذار بر فعالیت های سرمایه گذاران خارجی و داخلی، صرفنظر از کسب سود حاصل از سرمایه گذاری، ریسک و مخاطره است. به عبارت دیگر، سرمایه گذاران در فضای نامناسب به لحاظ مخاطره و ریسک فعالیت نمی کنند. بنابراین ایجاد اطمینان و امنیت در کشورها، برای حضور روز افزون سرمایه گذاران، امری ضروری محسوب می شود و به این دلیل است که محیط امن اقتصادی عامل اساسی رشد اقتصادی و توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه است. افزایش امنیت اقتصادی از طریق کاهش بدبینی و نااطمینانی به بازدهی مورد انتظار سرمایه گذاری ها از یک سو فرار سرمایه را کاهش می دهد و از سوی دیگر به افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی کمک می کند. این امر سبب می شود که طرف عرضه اقتصاد رشد کرده و توانایی حضور موفق در بازارهای منطقه ای و بین المللی را پیدا کند و از این طریق رشد و توسعه را بیش از پیش شتاب بخشد.

لذا با توجه به اهمیت مسئله، این تحقیق در صدد آن است که به دو سوال اصلی زیر پاسخ

دهد:

- ۱- تاثیر هزینه های نظامی دولت ها در رشد اقتصادی کشورها در جهان چگونه است؟
- ۲- تاثیر هزینه های مصرفی دولت ها در رشد اقتصادی کشورها در جهان به چه صورت می باشد؟

در این راستا مقاله حاضر در پنج بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه، بخش دوم مقاله به مرور ادبیات موضوع می پردازد. بخش سوم روش تحقیق را مطرح می کند و بخش چهارم یافته های پژوهش و بخش پنجم شامل بحث و نتیجه گیری می باشد.

مروری بر ادبیات پژوهش

در رویکرد سنتی، انباشت قدرت از مولفه های اصلی امنیت است که این مقوله امروزه در قالب مخارج نظامی و بحث اقتصاد دفاع، وارد ادبیات اقتصادی شده است.

اقتصاد دفاع شاخه ای جدید از مطالعات اقتصادی است که مدیریت مخارج دفاعی را طی دوره های جنگ و صلح مطالعه و آثار خارجی این مخارج بر سایر بخش های اقتصاد بررسی و تحلیل میکنند. به طور کلی، مخارج دفاعی به عنوان مخارج کالاهای عمومی یک اقتصاد در نظر گرفته می شوند، اما اقتصاد دفاع رابطه مخارج دفاعی و متغیرهای کلان، اقتصادی را از طریق کانال های مختلف بررسی و تحلیل می کند (آندو، ۲۰۰۹). رشد اقتصادی یکی از مهم ترین متغیرها در این زمینه است که موضوع بسیاری از تحلیل ها و مطالعات است. در این زمینه می توان رابطه هزینه های نظامی و رشد اقتصادی را از دو کانال اثرات تقاضا و اثرات عرضه بررسی کرد.

از زاویه اثرات مثبت تقاضا، یک افزایش برونزا در مخارج نظامی، سمت تقاضای اقتصاد را تحریک و افزایش میدهد. افزایش تقاضای کل از طریق مخارج نظامی باعث می شود که میزان بهره برداری از ظرفیت های اقتصادی کشور افزایش یافته و افزایش نرخ بهره وری ناشی از آن، موجب ارتقای سطح تولید از طریق ضریب فزاینده (تکثیر) کینزی و در نهایت رشد اقتصادی شود. علاوه بر این اگر هزینه های نظامی صرف تولید تجهیزات و ادوات نظامی شود، صادرات آن میتواند باعث بهبود تراز تجاری شده و از مسیر ضریب فزاینده رشد اقتصادی را افزایش دهد (دانن و همکاران، ۲۰۰۵).

از زاویه اثرات منفی تقاضا، گسترش مخارج نظامی با توجه به محدودیت بودجه دولت از طریق اثر جایگزینی این مخارج با مخارج غیر نظامی بخش عمومی (مانند مخارج سرمایه گذاری و مخارج آموزشی و بهداشتی)، افزایش مالیات ها و بدهی های خارجی (از جانب کسری بودجه)،

باعث کاهش رشد اقتصادی می شود. این مساله را می توان بر اساس مثال «جایگزینی اسلحه با رفاه»^۶ نیز تشریح کرد. بر این اساس، خرید اسلحه با توجه به کمبود ارز، منابع موجود را برای وارد کردن کالاهای واسطه ای و سرمایه گذاری در جهت، بهبود رشد اقتصادی بلند مدت پایدار، کاهش می دهد (نارایان و اسمیت، ۲۰۰۹، ۷).

همچنین چنانچه هزینه های نظامی بیشتر صرف واردات تجهیزات و ادوات نظامی شود (که در کشورهای در حال توسعه معمولاً چنین است) با توجه به تاثیر منفی آن بر تراز تجاری، می تواند رشد اقتصادی را کاهش دهد.

از کانال اثرات عرضه می توان تاثیر هزینه های نظامی روی رشد اقتصادی را اینگونه تشریح کرد که افزایش این هزینه ها از طریق بکارگیری فاکتورهای تولید (نظیر سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و منابع طبیعی) و تکنولوژی - به واسطه پیوندهای پسین و پیشین با سایر بخش های اقتصادی - سطح تولید بالقوه را افزایش و رشد اقتصادی را تسریع می بخشد.

البته ممکن است این کانال مانند کانال اثرات تقاضا از طریق تغییر موجودی سرمایه و اثر جایگزینی مخارج نظامی به جای مخارج سرمایه گذاری، رشد اقتصادی را کاهش دهد (دانن و همکاران، ۲۰۰۵).

علاوه بر دو کانال مطرح شده، افزایش مخارج نظامی می تواند از طریق افزایش امنیت، رشد اقتصادی را به طور غیرمستقیم افزایش دهد. بعضی از نظریات اقتصادی، امنیت را نوعی کالای عمومی می دانند که خصوصیات غیرقابل استثنا کردن و غیررقابتی بودن در آن وجود دارد. این ویژگیها موجب شده است تا تامین مالی هزینه های دفاعی توسط بخشهای غیردفاعی توجیه پذیر شود. به عبارت دیگر، بخش دفاعی که اغلب تولیدکننده نوعی کالای عمومی خالص است با سایر بخش های غیردولتی اقتصاد شباهت چندانی ندارد (گل خندان، ۱۳۹۳).

مدل رشد نئوکلاسیک چارچوب مهمی برای رشد بلندمدت اقتصاد فراهم می کند. در مدل ر شد سولو، رونق و رشد اقتصادی ناشی از عوامل کار، سرمایه و تکنولوژی تحت فرض عملکرد رقابتی اقتصاد است. مدل های رشد کاس، کوپمنز، لوکاس و رومر نیز که بر اساس این الگو توسعه یافته اند، سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی و دانش را عامل مکانیکی و تعیین کننده رشد

ارزیابی کرده اند. با این حال این الگوها نتوانسته اند به خوبی تفاوت سطح درآمدی کشورهای مختلف جهان را توضیح دهند.

برخی از فرضیه ها بر این باورند که عوامل تعیین کننده تفاوت درآمد، بیشتر ناشی از تفاوت در زیرساختهای اجتماعی و به عبارت دیگر، نهادها و سیاست هایی است که باعث تشویق سرمایه گذاری و تولید به جای مصرف و انحراف منابع میشود. بحث انحراف منابع اشاره به فعالیت هایی دارد که منجر به تخصیص منابع به غیر از سرمایه گذاری و تولید می شود. این انحراف که در ادبیات اقتصادی با عنوان رانت جویی معرفی می شود به طور مشخص بر اشکالی مانند جنایت، بند و بست برای فرار مالیاتی و دعاوی قلبی اشاره دارد.

نهادها و سیاست هایی که زیرساختهای اجتماعی را تشکیل می دهند، شامل عواملی هستند که محیطی را به وجود می آورند که تصمیم گیری خصوصی در داخل آن انجام می گیرد. اگر جرم و جنایت کنترل نشود یا جنگ داخلی یا حمله خارجی وجود داشته باشد، پاداش سرمایه گذاری برای بخش خصوصی و فعالیت هایی که تولید را افزایش می دهد، پایین خواهند آمد. یا اگر به قراردادهای احترام گذارده نشود یا تفاسیر دادگاه ها از آن غیرقابل پیش بینی باشد، طرح های سرمایه گذاری دراز مدت جذابیت کمتری پیدا خواهند کرد (رومر، ۲۰۰۶).

رویکرد نوین امنیتی قرابت معنایی بالایی با بحث تاثیر نهادها و سیاستها در عملکرد اقتصادی دارد. این رویکرد به رهایی از عوامل تهدیدکننده فردی و اجتماعی تاکید داشته و درصدد ایجاد بستر لازم برای ایجاد و ظهور پتانسیل ها و توانایی های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد و جامعه است. امنیت با تعریف جدید، نقش مهمی نیز در عملکرد و رشد اقتصادی می تواند ایفا کند. بر این اساس، شاخص های مرتبط با امنیت به عنوان یکی از عوامل نهادی در نظر گرفته می شود.

رابرت بارو به عنوان یکی از پیشگامان اقتصاد کلان نئوکلاسیک، مدل رشد اقتصادی را در سال ۱۹۹۱ ارائه نمود. در تحقیقات بعدی مدل بارو توسط خان و حبیب اله (۲۰۰۰) تعدیل شده و به منظور نشان دادن تاثیر هزینه های دفاعی بر رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گرفت. در این مقاله با استفاده از مدل تعدیل یافته بارو به روش داده های ترکیبی ۸ تاثیر متغیرهایی نظیر هزینه های نظامی دولت، هزینه های مصرفی دولت بر رشد اقتصادی کشورهای جهان مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعدد خارجی و داخلی تأثیر مخارج نظامی را بر رشد اقتصادی با استفاده از مدل های مختلف مورد بررسی قرار داده اند که در ادامه به منتخبی از آنها نیز اشاره شده است.

آیزنمن و گلیک (۲۰۰۶) تأثیر مخارج نظامی را بر رشد اقتصادی کشورهای جهان طی دوره ی زمانی ۱۹۹۸ - ۱۹۸۹ با توجه به سطح تهدیدات خارجی بررسی و مورد آزمون تجربی قرار داده اند. نتایج این مطالعه با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در داده های ترکیبی (پانل) نشان دهنده اثر منفی و معنادار مخارج نظامی و تهدیدات خارجی بر سطح رشد اقتصادی می باشد. اما اثر تعاملی مخارج نظامی و تهدیدات خارجی بر رشد اقتصادی مثبت می باشد؛ به این معنا که اثر هزینه نظامی بر رشد اقتصادی غیرخطی و وابسته به سطح تهدیدات خارجی است. با افزایش سطح تهدیدات خارجی، اثر منفی مخارج نظامی بر رشد اقتصادی کاهش می یابد و رشد اقتصادی می تواند از افزایش مخارج نظامی منتفع گردد.

ناهویو (۲۰۱۰) در مطالعه خود به بررسی علل و اثرات مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی کشور هند پرداخته است. وی از سه جنبه بر این موضوع متمرکز شده است: مشکل امنیت، مسئله هسته ای و تأثیرات اقتصادی. وی ابتدا وجود مسابقه تسلیحاتی بین هند و پاکستان را با استفاده از مدل عمل و عکس العمل ریچاردسون ۵ و تحلیل هم انباشتگی بررسی کرد. نتایج تجربی شواهدی قوی مبنی بر حمایت از وجود یک مسابقه تسلیحاتی پایدار میان هند و پاکستان با وجود شکست ساختاری ۶ و محاسباتی، ارائه کرد. دوم، نتایج نشان می دهد که مخارج دفاعی هند به طور عمده تحت تأثیر سطح درآمد، وضع سیاسی، تهدید پاکستان و جنگ های خارجی درازمدت و کوتاه مدت قرار دارد. سوم، در بررسی رابطه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی در هند و در دامنه ای گسترده تر برای داده های مقطعی و پانل ۳۶ کشور در حال توسعه، وجود اثر منفی و معنادار مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی در هر دو مورد تأیید شده است.

پراکاش پرادهان^{۱۱} (۲۰۱۰) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی در کشورهای چین، هند، نپال و پاکستان بر پایه آزمون های علیت و هم انباشتگی پرداخته است. نتایج تجربی بر پایه ویژگی های ادغام و هم انباشتگی با استفاده از یک مدل سه گانه برای داده های دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۸۸ نشان می دهد که رابطه ای بلندمدت میان مخارج دفاعی رشد اقتصادی و بدهی های عمومی وجود دارد. همچنین آزمون هم انباشتگی نشان داد که مخارج دفاعی یک کشور خاص می تواند بر مخارج دفاعی کشورهای دیگر اثر بگذارد.

یانگ و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۱) رابطه بین مخارج نظامی، تهدیدات و رشد اقتصادی را در ۹۲ کشور جهان طی دوره ی زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۲ با یک رویکرد غیرخطی مورد آزمون تجربی قرار داده اند. نتایج این مطالعه با استفاده از روش خودرگرسیون برداری آستانه ای (TAR) نشان می دهد که: الف. مخارج نظامی رابطه منفی و معناداری را با رشد اقتصادی ۲۳ کشور با درآمد اولیه (متغیر آستانه) کمتر یا برابر با ۴۷۵/۹۳ دلار (سرانه GDP حقیقی بر حسب دلار آمریکا و قیمت های ثابت سال ۲۰۰۰) داشته است. ب. انتظار می رود که با افزایش تهدیدات خارجی، سطح رشد اقتصادی (۲۳ کشور یاد شده) کاهش یابد؛ اما، هزینه های نظامی در حضور تهدیدات خارجی به اندازه کافی بزرگ، باعث افزایش رشد اقتصادی میشود. ج. برای ۶۹ کشور باقیمانده با درآمد اولیه بالاتر از ۴۷۵/۹۳ دلار، رابطه معناداری بین متغیرهای تهدیدات خارجی و مخارج نظامی با رشد اقتصادی به دست نیامده است.

شهباز و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۳) در مقاله ای به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که آیا مخارج دفاعی باعث رشد اقتصادی پاکستان طی دوره ی زمانی ۲۰۰۸-۱۹۷۲ شده است یا خیر؟ به این منظور آنها از مدل سمت تقاضای آتسوگلو در مورد مخارج دفاعی و رشد اقتصادی و تحلیل های اقتصادسنجی هم انباشتگی استفاده نموده اند. نتایج این مطالعه حاکی از رابطه منفی بین مخارج نظامی و رشد اقتصادی در بلندمدت است.

دادی و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۴) در بررسی تأثیر هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی کشور ایتالیا، با استفاده از یک مدل رگرسیون انتقال ملایم لجستیک (LSTR) به این نتیجه رسیده اند

۱۱- Prakash Pradhan

۱۲ - Yang et al

۱۳- Shahbaz et al

۱۴ - Daddi et al

که این اثرگذاری به صورت غیرخطی است؛ به گونه ای که سطوح پائین هزینه های نظامی، رشد اقتصادی را افزایش داده و سطوح بالای هزینه های نظامی باعث کاهش رشد اقتصادی شده است. لذا، فرضیه شکل II معکوس بین مخارج نظامی و رشد اقتصادی تأیید می شود.

مولایی و گل خندان (۲۰۱۵) اثر هزینه های نظامی را بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی و غیرنفتی خاورمیانه طی سالهای ۲۰۱۲-۱۹۹۰ بررسی کرده اند. یافته های این تحقیق در قالب یک مدل سولوی تعمیم یافته و روش اقتصادسنجی GMM حاکی از اثر منفی و معنادار هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی این کشورهاست. همچنین، میزان این اثرگذاری منفی برای کشورهای نفتی در قیاس با کشورهای غیرنفتی بزرگتر است.

عزیز و اسدالله (۲۰۱۶) به پیروی از مدل تجربی آیزمن و گلیک، تأثیر هزینه های نظامی و درگیری های مسلحانه (شاخص مستقیم تهدیدات و معکوس امنیت) را بر رشد اقتصادی ۷۰ کشور در حال توسعه در دوران پس از جنگ سرد و طی سال های ۲۰۱۳-۱۹۹۰ مورد بررسی تجربی قرار داده اند. این محققان از یک تابع کاب داگلاس که متغیرهای سیاسی را در نیز در نظر میگیرد و مدلی شامل اثر متقاطع تهدیدات و مخارج نظامی استفاده کرده اند. در این مطالعه درگیری های مسلحانه به دو قسمت درگیری های داخلی و خارجی نیز تقسیم بندی و وارد مدل شده است. به منظور برآورد مدل تحقیق نیز از روشهای اقتصادسنجی OLS تلفیقی (POLS)، اثرات ثابت (FE) و گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) در داده های ترکیبی (پانل) استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می دهد که تأثیر هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی ناشی از مواجهه با درگیری های مسلحانه کل، مثبت و معنادار میباشد؛ این درحالیست که تأثیر هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی ناشی از مواجهه با درگیری های مسلحانه داخلی و خارجی، متفاوت است. این اثرگذاری در حالت اول (و به هنگام معناداری)، مثبت و در حالت دوم (و به هنگام معناداری)، منفی است.

فیری (۲۰۱۶) در مطالعه ای به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا مخارج نظامی اثر غیرخطی بر رشد اقتصادی کشور آفریقای جنوبی طی سال های ۲۰۱۵-۱۹۸۸ داشته است؟ نتایج این مطالعه با استفاده از یک مدل رگرسیون انتقال ملایم لجستیک (TSTR) نشان

می دهد که رابطه بین مخارج نظامی و رشد اقتصادی به شکل U معکوس می باشد. هم چنین، نتایج نشان می دهد که میزان فعلی هزینه های نظامی در این کشور بسیار بیشتر از سطح بهینه آن است و نیاز به انتقال این مخارج به بخش غیرنظامی به منظور بهبود عملکرد اقتصادی می باشد

هدریکسون و همکاران (۲۰۱۸)، در مقاله ای به بررسی رابطه بین تکنولوژی نظامی، انباشت سرمایه و رشد اقتصادی پرداخته اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که بین مخارج نظامی و تولید بخش خصوصی در بلندمدت رابطه مثبت وجود دارد.

راجو، محمد حسن و احمد، زبایر (۲۰۱۹)، در مطالعه ای از رویکرد سری زمانی و روش مدل سازی (GTS) برای بررسی و تحلیل رابطه بین هزینه های نظامی و رشد اقتصادی در هند، طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ استفاده می کند. بر اساس یافته های این مطالعه بین هزینه های نظامی و رشد اقتصادی در هند در دوره مورد مطالعه رابطه ای وجود ندارد.

اوفینو و اوریساداره (۲۰۲۰) رابطه بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی را در نیجریه مورد بررسی قرار دادند آنها از داده های مربوط به تولید ناخالص داخلی، مخارج نظامی، نرخ تورم و نرخ ارز طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۷ استفاده کردند که در آن تولید ناخالص داخلی تابعی از کل مخارج نظامی، نرخ تورم و نرخ بهره است. مدل مورد یک الگوی خود رگرسیون برداری با لحاظ مانایی متغیرهای مورد استفاده است. رابطه مورد نظر در قالب روش علیت تودا-یاماموتو که نوعی آزمون علیت گرنجر محسوب می شود مورد آزمون و بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از تحقیق حاکی از آن است که رابطه ای بین مخارج دفاعی و رشد اقتصادی در نیجریه و در دوره مورد بررسی در هیچ جهتی مشاهده نشده است.

سبا و انگپاه (۲۰۲۰) رابطه بین مخارج دفاعی، رشد اقتصادی و توسعه را در ۷۲ کشور در حال توسعه واقع سه منطقه جنوب صحرای آفریقا، منطقه غرب آسیا، شمال آفریقا و کشورهای آمریکای لاتین طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ مطالعه کردند. داده های مورد استفاده محققان در این مطالعه تولید ناخالص داخلی حقیقی (که تغییرات آن نشان دهنده رشد اقتصادی است)، مخارج نظامی و شاخص توسعه انسانی (عددی بین صفر و یک که هر چه به یک نزدیکتر باشد

۱۸ Hendrickson et al.

۱۹ Ofino & Orisadare

۲۰ Saba & Ngepah

نشان دهنده فقر کمتر و توسعه یافتگی بیشتر اقتصادی آن کشور است) بوده اند. در این مطالعه از مدل پانل خودرگرسیون برداری و روش تخمینی گشتاورهای تعمیم یافته استفاده شده و در نتایج مدل مشاهده شده که روابط بلندمدت و دو طرفه بین مخارج نظامی و رشد اقتصادی و توسعه در سه منطقه جنوب صحرای آفریقا، غرب آسیا، شمال آفریقا و آمریکای لاتین وجود داشته است.

بیضایی (۱۳۸۰) در مطالعه ای تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی ایران را طی سال های ۱۳۷۶-۱۳۵۱ بررسی کرده است. نتایج این مطالعه با استفاده از یک مدل تقاضای کینزی و روش OLS نشان می دهد که بین مخارج نظامی و رشد اقتصادی در ایران طی دوره مورد بررسی رابطه منفی و معناداری وجود داشته است.

حسینی و عزیزنژاد (۱۳۸۶) در مطالعه ای به بررسی هزینه دفاعی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۰ پرداخته اند. در این مطالعه به منظور طراحی الگویی برای تعیین اثرات اقتصادی هزینه های دفاعی عمومی بر رشد اقتصادی، دستگاہی با چهار معادله استفاده و با بهره گیری از روش های تک معادله ای OLS و 2SLS و روش دستگاہ معادلات همزمان 3SLS روابط موجود بین متغیرها ارزیابی و تشریح شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که هم اثر مستقیم هزینه های دفاعی بر رشد اقتصادی و هم اثرات غیرمستقیم آن بر متغیرهای پس انداز و تراز تجاری کشور، به طور قابل توجهی منفی و معنادار است.

حسینی صدرآبادی و کاشمیری (۱۳۸۷) مقاله ای با عنوان "تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی و اثر غیرمستقیم آن بر مصرف خصوصی در ایران (بررسی مدل طرف عرضه اقتصاد)" ارائه داده اند. در این تحقیق با ملاحظه طرف عرضه اقتصاد، مدل چهاربخشی فدر که شامل بخش های مصرفی خصوصی، دولتی غیردفاعی، صادرات و دفاعی است، مورد استفاده قرار گرفته و ضمن بررسی تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی، اثرات غیرمستقیم بخش دفاعی بر بخش مصرفی خصوصی ارزیابی گردیده است. نتایج این تحقیق با استفاده از داده های دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۵۳ و روش OLS نشان می دهد که اثر مستقیم تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی، مثبت و اثر غیرمستقیم بخش دفاعی بر بخش مصرفی خصوصی، منفی است.

گل خندان و همکاران (۱۳۹۴) اثر هزینه های نظامی را بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا طی سال های ۲۰۰۹-۱۹۷۵ بررسی کرده اند. یافته های این تحقیق در قالب یک مدل

سولوی تعمیم یافته و روش اقتصادسنجی GMM حاکی از اثر منفی و معنادار هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی این کشورهاست.

عباسیان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای به بررسی اقتصاد دفاعی در نیروهای مسلح و تاثیر آن بر رشد اقتصادی ایران پرداخته اند. نتایج بیانگر آن است که عوامل اصلی مخارج دفاعی ایران، اقتصادی نبوده بلکه استراتژیک هستند (تهدید جنگ). همچنین، اثر مستقیم مخارج دفاعی روی رشد اقتصادی و اثرات غیر مستقیم آن روی پس انداز و موازنه تجاری، منفی و معنادار هستند.

پتانلار و باجلان (۱۳۹۴) اثر سهم مخارج بودجه ای نظامی بر رشد اقتصادی در ایران را بررسی نموده اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که بین رشد اقتصادی و سهم مخارج بودجه ای نظامی از تولید ناخالص داخلی یک رابطه U شکل معکوس وجود دارد. بنابراین سهمی از مخارج بودجه ای نظامی وجود دارد که رشد اقتصادی را حداکثر می سازد که حدود ۲/۷۳ درصد از تولید ناخالص داخلی می باشد، که از مقدار متوسط آن در دوره مورد بررسی (۲/۹۵ درصد)، پایین تر است. بنابراین به نظر می رسد، که جامعه از تخصیص مجدد منابع به سمت مخارج بودجه ای غیر نظامی مانند آموزش و بهداشت می تواند منتفع گردد.

گل خندان (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان " تعیین سطح بهینه بخش دفاعی در ایران از منظر اقتصادی"، با استفاده از یک مدل رگرسیون انتقال ملایم لجستیک (LSTR) نشان داده اند ضمن تأیید فرضیه شکل U معکوس بین مخارج نظامی و رشد اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۳۸، مقدار بهینه مخارج نظامی در کشور ۰/۰۲۱ تولید ناخالص داخلی است.

اسماعیل نیا و وصفی اسفستانی (۱۳۹۵) به بررسی تاثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب پرداخته اند. نتایج به دست آمده نشان می دهد که مولفه های مخارج نظامی و شکنندگی دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد و به هر اندازه که دولت ها شکننده تر باشند، میزان رشد اقتصادی در آن کشورها پایین تر خواهد بود. بررسی رابطه شاخ «احساس فساد» و رشد اقتصادی نشان می دهد، دولت های پاک تر دارای رشد اقتصادی بیشتری هستند. همچنین بررسی رابطه «شاخص جهانی صلح» و «شاخص شکنندگی دولت ها» با میزان سرمایه گذاری در کشورهای مورد بررسی، نشان می دهد شاخص جهانی صلح دارای تاثیر مثبت و شاخص شکنندگی دولت دارای تاثیر منفی است. در کل شاخص های منبعث از رویکردهای سنتی، تاثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ندارند و رویکردهای نوین به دلیل ساختارگرا بودن و توجه به طیف وسیعی از عوامل ناامن کننده، ارتباط مثبتی با مؤلفه های اقتصادی در جوامع مختلف دارند.

مولایی و تاجعلی (۱۳۹۵) بررسی و مقایسه اثر مخارج نظامی و غیر نظامی بر رشد اقتصادی ایران را در مقاله ای انجام دادند. یافته های تحقیق بیانگر آن است که هزینه های نظامی دارای اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی ایران اند و تأثیر مخارج غیر نظامی مثبت و معنادار است. همچنین بین مخارج نظامی و غیر نظامی با درآمد های نفتی رابطه علیتی یک طرفه ای از سمت درآمد های نفتی به سمت هزینه های نظامی و غیر نظامی وجود دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که با افزایش درآمدهای نفتی، هزینه های نظامی و غیر نظامی ایران نیز افزایش می یابد. همچنین، درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی در ایران دارای رابطه علیت دو طرفه و متأثری از یکدیگر هستند.

پور صادق و کاشمیری (۱۳۹۷) تأثیر هزینه های نظامی و مصرفی دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس را مطالعه نموده اند. نتایج نشان می دهد که تأثیر مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی ایران نسبت به کشورهای نظیر عربستان، امارات متحده عربی و عراق در سطح پایینی بوده است و از طرفی هزینه های نظامی کشورها اثری منفی بر رشد اقتصادی این منطقه داشته است، ولی با توجه به اینکه اثر هزینه های نظامی تنها ایران بر رشد اقتصادی این کشور مثبت و معنی دار است و تأثیر هزینه های نظامی سایر کشورها بر رشد اقتصادی آن ها منفی است.

گل خندان (۱۳۹۸) در مطالعه ای مخارج دفاعی، تهدیدات خارجی و رشد اقتصادی: مطالعه تجربی ایران را بررسی کرده است. یافته های این تحقیق نشان میدهد که تأثیر بار دفاعی بر رشد اقتصادی ایران به سطح شاخص تهدیدات خارجی وابسته است؛ به گونه ای که با افزایش سطح تهدیدات خارجی، اثر منفی مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی کاهش می یابد و می توان انتظار داشت که با گذشت سطح تهدیدات خارجی از مقدار آستانه آن، تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی کشور مثبت نیز گردد.

ایزد خواستی و تیموری (۱۳۹۸) در مطالعه ای به بررسی معمای امنیت، هزینه های دفاعی و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن بدهی خارجی در کشورهای منا: رویکرد پانل دیتای همزمان پرداخته است. نتایج تجربی بیانگر این است که یک درصد افزایش در نسبت هزینه های دفاعی به تولید ناخالص داخلی، باعث کاهش ۱۰ درصدی رشد اقتصادی شده است. نتایج همچنین بیانگر این است که یک درصد افزایش در نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی را ۵ درصد کاهش داده است. به علاوه، یک درصد افزایش در رشد اقتصادی نسبت هزینه های دفاعی به تولید ناخالص داخلی را ۰/۹۵ درصد افزایش داده است و یک درصد

افزایش در نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی نیز نسبت هزینه های نظامی به تولید ناخالص داخلی را ۰/۱۳ درصد افزایش داده است. همچنین، هم مرزی با کشورهای درگیر جنگ داخلی باعث افزایش مخارج دفاعی کشور مجاور شده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی، به لحاظ روش و ماهیت از نوع علی یا پس رویدادی است.

داده های تحقیق حاضر با استفاده از گزارشات ارائه شده و منابع اطلاعاتی و آماری بانک جهانی^{۲۱} گردآوری شده است. الگوی مورد نظر، بعد از شناسایی تکنیک‌ها و آزمون‌های اقتصادسنجی، با استفاده از تکنیک داده‌های تلفیقی یعنی ترکیب داده‌های مقطعی ۷۳ کشور با سری زمانی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ برآورد شده است. پس از بررسی آزمون‌های مختلف روی داده های پژوهش، مدل مناسب از طریق آزمون‌های اف لیمر و هاسمن انتخاب و برآورد گردیده است. دلیل محدودیت تعداد کشورهای انتخاب شده عدم دسترسی به داده‌های مخارج نظامی همه کشورهای جهان در بازه زمانی سال‌های مورد بررسی است. برای تخمین مدل نیز از نرم افزار ایویوز نسخه ۹ استفاده شده است.

الگوی مورد استفاده در این مقاله به صورت زیر است:

$$GDPG_{it} = \beta_0 + \beta_1 Miliexp_{it} + \beta_2 Govexp_{it} + \mu_{it}$$

در مدل مورد بررسی این مطالعه، متغیر $GDPG_{it}$ نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی کشور i ام در سال t ام، متغیر $Miliexp_{it}$ مخارج نظامی دولت کشور i ام در سال t ام بر حسب درصدی از GDP آن کشور و همچنین متغیر $Govexp_{it}$ بیانگر مخارج مصرفی دولت کشور i ام در سال t ام بر حسب درصدی از GDP آن کشور می باشد.

یافته‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل، لازم است خلاصه آماری داده‌های تحقیق ارائه شود. جدول (۱) این مهم را به تصویر می‌کشد

جدول ۱: خلاصه آماری داده‌های پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	میانه	اکثریت مطلق
نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی	2992	3.21	3.80	50.25	5.22
مخارج مصرفی دولت بر حسب درصدی از GDP	2992	15.8	5.12	2.93	5.66
مخارج نظامی دولت بر حسب درصدی از GDP	2992	2.47	2.06	0.14	1.9

بعد از آن لازم است، داده‌های تحقیق مورد تحلیل قرار گیرند. از مهم‌ترین این تحلیل‌ها، بررسی پایایی آنها است. برای تعیین پایایی از آزمون ریشه واحد استفاده می‌شود. در اینجا آزمون ریشه واحد، ایم، پسران و شین^{۲۲} برای متغیرهای پژوهش بیان شده است. (جدول ۲).

جدول ۲: آزمون ریشه واحد برای متغیرهای پژوهش

نام متغیر	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه در سطح	نتیجه در تفاضل مرتبه اول
نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی	-24.9240	0.0000	تایید مانایی	-
مخارج مصرفی دولت بر حساب درصدی از GDP	-36.9411	0.0000	-	تایید مانایی
مخارج نظامی دولت بر حسب درصدی از GDP	-3.04054	0.0000	تایید مانایی	-

فرضیه صفر آزمون، مبنی بر وجود ریشه واحد است. نتایج بیان می‌دارد که این فرضیه با در نظر گرفتن فرآیند ریشه واحد تکی توسط آزمون ایم، پسران و شین با تعداد ۷۳ مقطع و ۴۱ دوره زمانی برای متغیرهای نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و مخارج نظامی دولت بر حسب درصدی از GDP در سطح معناداری ۵ درصد رد می‌شود و پایایی آن مورد تأیید است. ولی متغیر مخارج مصرفی دولت بر حسب درصدی از GDP با یک بار تفاضل گیری پایا می‌گردد. بنابراین از تفاضل مرتبه اول متغیر مخارج مصرفی دولت بر حسب درصدی از GDP در برآورد مدل استفاده شده است.

چنان که مشخص است در رویکرد داده‌های پانل، لازم است همگنی یا ناهمگنی بین واحدها با کمک آزمون F لیمر مورد بررسی قرار گیرد. در صورت تأیید ناهمگنی، مدل از طریق داده‌های تلفیقی (پنل) برآورد می‌شود، در غیر اینصورت استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی کارآتر است (جدول ۳). علاوه بر آن در استفاده از این رویکرد، موضوع برآورد بر اساس روش اثر تصادفی یا اثر ثابت نیز مطرح می‌شود که برای تشخیص و شناسایی آن از آزمون

هاسمن استفاده می شود که از توزیع کای دو برخوردار است و فرضیه صفر آن مبنی بر روش اثرات تصادفی است (جدول ۴).

جدول ۳: نتیجه آزمون اف لیمر

نتیجه	مقدار احتمال	مقدار آماره F	نوع آزمون
مدل پانل (دارای اثرات ثابت یا تصادفی) است	0.0000	9.15	آزمون اف لیمر

از آنجایی که مقدار احتمال آزمون اف لیمر کوچکتر از 0.05 می باشد، لذا فرض صفر مبنی بر وجود رگرسیون ترکیبی (رگرسیون بدون وجود اثرات ثابت یا تصادفی) رد شده و بنابراین الگوی مناسب برای برآورد مدل مورد بررسی، دارای اثرات ثابت یا اثرات تصادفی بوده و به صورت ترکیبی نیست.

جدول ۴: نتیجه آزمون هاسمن

نتیجه	مقدار احتمال	مقدار آماره کای اسکوئر	نوع آزمون
مدل دارای اثرات تصادفی نیست (اثرات ثابت دارد)	0.0000	47.59	آزمون هاسمن

براساس آزمون هاسمن مقدار احتمال برای مدل کمتر از 0.05 است بنابراین فرضیه صفر مبنی بر مدل اثرات تصادفی رد می شود و مدل با اثرات ثابت مورد تایید قرا می گیرد.

جدول ۵: برآورد و آزمون پارامترهای مدل

VIF	نتیجه در سطح اطمینان		مقدار احتمال	مقدار t	مقدار ضرایب	پارامترها
	۹۰ درصد	۹۵ درصد				
-	معنادار و مثبت	معنادار و مثبت	0.0000	30.668 91	3.09006 3	مقدار ثابت
1.0017 54	معنادار و منفی	معنادار و منفی	0.0000	- 6.913478	- 0.441803	D(GOVE XP)
1.0017 54	معنادار و مثبت	-	0.0655	1.8427 87	0.05903 9	MILEXP
0.0000 00	مقدار احتمال F			15.846 80	مقدار F	
1.2466 33	دوربین واتسون			0.1842 28	ضریب تعیین	

با توجه به نتایج برآورد مخارج دولتی رابطه منفی معناداری با رشد اقتصادی دارد یعنی افزایش مخارج دولتی منجر به کاهش رشد اقتصادی در کشورها می شود. همچنین مخارج نظامی در سطح اطمینان ۹۰ درصد رابطه مثبت معنادار با رشد اقتصاد کشورها دارد به عبارتی افزایش مخارج دولتی باعث افزایش رشد اقتصادی می گردد.

مقادیر VIF (عامل افزایش واریانس) شاخصی برای بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل است در صورتیکه مقدار آن بالاتر از ۱۰ باشد احتمال وجود همخطی بین متغیرهای مستقل وجود دارد. میزان این شاخص برای متغیرها کمتر از ۱۰ بوده بنابراین همخطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

یکی از آثار مخارج نظامی ایجاد امنیت در داخل و خارج از کشور است و این امر ممکن است به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث افزایش ثبات و رشد اقتصادی شود. به عبارت دیگر، هرگاه دولتی بتواند اسلحه و واردات جنگی را خود تولید و حتی به کشورهای دیگر صادر کند، ضمن عدم واردات اسلحه از خارج و جلوگیری از خروج ارز از کشور، می تواند درآمد ارزی

چشمگیری بدست آورد. و آن اثر مثبت بر تراز پرداخت های خارجی و رشد اقتصادی دارد(اثر مستقیم). یکی از علل افزایش مخارج نظامی ایجاد امنیت در داخل کشور و آثار مثبت آن افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی در کشور است و این امر منجر به افزایش اشتغال، تولید ناخالص داخلی و در نهایت رشد اقتصادی می شود(اثر غیرمستقیم). البته در صورت افزایش غیر متعارف مخارج نظامی، ممکن است دولت با محدودیت هایی در تامین منابع مالی مواجه شود و این امر سرمایه گذاری در امور نظامی را دچار مشکل می کند که نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی است.

نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می دهد که تاثیر مخارج نظامی دولت بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی با ضریب برآوردی ۰/۰۵۹ مثبت معنادار بوده است یعنی افزایش مخارج نظامی دولت باعث افزایش رشد اقتصادی کشورها شده است. همچنین تاثیر مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی با ضریب برآوردی ۰/۴۴۲- منفی معنادار بوده است به عبارتی افزایش مخارج مصرفی دولت باعث کاهش رشد اقتصادی کشورها در دوره مورد بررسی گردیده است.

یافته های این پژوهش با نتایج تحقیقات سبا و انگپاه(۲۰۲۰)، هدریکسون و همکاران(۲۰۱۸)، عزیز و اسدالله(۲۰۱۶)، حسنی صدرآبادی و کاشمری(۱۳۸۷)، پورصادق و کاشمری(۱۳۹۷) و گل خندان(۱۳۹۸) همسو بوده ولی مغایر با نتایج تحقیقات ناهویو(۲۰۰۹)، شهباز و همکاران(۲۰۱۳)، مولایی و گل خندان(۲۰۱۵)، حسنی و عزیز نژاد(۱۳۸۶)، گل خندان و همکاران(۱۳۹۴)، عباسیان و همکاران(۱۳۹۴) و مولایی و تاجعلی(۱۳۹۵) می باشد. همچنین لازم به ذکر است که تحقیقاتی نظیر آیزمن و گلیک(۲۰۰۶)، یانگ و همکاران(۲۰۰۶) و گل خندان(۱۳۹۸) نشان دادند که با افزایش تهدیدات خارجی اثرات مخارج نظامی روی رشد اقتصادی مثبت و معنادار می گردد. توصیه های سیاستی زیر برای استفاده بهینه از هزینه های نظامی پیشنهاد می شود:

۱- تولید اسلحه و ادوات نظامی در داخل کشور- به جای خرید از خارج_ ضمن کاهش وابستگی نظامی کشور به سایر قدرت های نظامی جهان و همچنین صرفه جویی در منابع ارزی کشور، می تواند باعث ایجاد اشتغال، رونق اقتصادی و افزایش درآمد ملی و رشد اقتصادی می شود.

۲- هرچند افزایش مخارج نظامی تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورها را نشان می دهد، لیکن افزایش غیر متعارف مخارج نظامی مانع تخصیص درآمد ملی برای سرمایه گذاری های

اقتصادی و اجتماعی است، لذا دولت ها ممکن است بتوانند با بهبود روابط خارجی و در سایه تعامل مثبت با سایر کشورها از شدت تهدیدهای خارجی بکاهند و بدون نیاز به افزایش مخارج نظامی، امنیت را در کشور افزایش دهند.

۳- نتایج پژوهش نشان می دهد که مخارج مصرفی دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورها داشته است لذا به نظر می رسد در بخش های دولتی، مخارج مصرف دولت ها در زمینه های مولد، طرح های تولیدی و اشتغال زایی درست استفاده نمی شود که باعث انحراف منابع از مسیر ایجاد رشد اقتصادی می گردد. لذا لازم است دولت ها برای بهبود شرایط اقتصادی، دولت در تخصیص هزینه های مصرفی خود بازبینی و اصلاحات لازم را بعمل آورند.

منابع و مأخذ

- بیضایی، ابراهیم (۱۳۸۰). رابطه ی بین مخارج نظامی و برخی متغیرهای اقتصادی در ایران (۱۳۷۶-۱۳۵۱)، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳۷ و ۳۸، ۷۵-۴۷.
- اسماعیل نیا، علی اصغر؛ وصفی اسفستانی، شهرام (۱۳۹۵). تاثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب. فصل نامه پژوهشنامه اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۶۱، ۱۵۴-۱۲۷.
- پورصادق، ناصر؛ کاشمری، علی (۱۳۹۷). تاثیر هزینه های نظامی و مصرفی دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس. فصل نامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، شماره ۶، ۲۰-۷.
- حسنى صدرآبادى، محمدحسین و کاشمری، علی (۱۳۸۷). تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی و اثر غیرمستقیم آن بر مصرف خصوصی در ایران (بررسی مدل طرف عرضه اقتصاد). فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال هشتم، شماره ۲، ۴۰-۲۵.
- حسنى، محمدحسین و عزیزنژاد، صمد (۱۳۸۶). هزینه های دفاعی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی (مدل عرضه و تقاضای کل برای ایران). فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۳۰، ۱۹۳-۲۱۲.
- حسینی، سید صفدر؛ مولایی، مرتضی (۱۳۸۵). تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در ایران. فصل نامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۱، ۸۰-۵۷.
- عباسیان، عزت اله؛ امینی، پرویز؛ علیزاده، حمید (۱۳۹۴). اقتصاد دفاعی در نیروهای مسلح و تاثیر آن بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۸۳، ۱۷۸-۱۵۱.
- علیزاده، محمد؛ گل خندان، ابوالقاسم و منصور محمدیان. (۱۳۹۴). «تأثیر آستانه‌ای بدهی‌های خارجی بر رشد اقتصادی ایران: الگوی رگرسیون انتقال ملایم». (STR) فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال ۲، شماره ۲. صص ۱-۲۴
- کریمی پتانلار، سعید و علی اکبر باجلان. (۱۳۹۴). «اثر سهم مخارج بودجه‌ای نظامی بر رشد اقتصادی ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۹، شماره ۶۱. صص ۶۶-۸۳.

گجراتی، دامودار. (۱۳۸۷). «مبانی اقتصاد سنجی». ترجمه حمید ابریشمی، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

گل خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه تطبیقی تأثیر هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته منتخب. فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره ۱۵، ۴۴ - ۲۳.

گل خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۴). تعیین سطح بهینه ی بخش دفاعی در ایران از منظر اقتصادی. فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۶۰، ۲۰۶ - ۱۷۶.

گل خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۸). مخارج دفاعی، تهدیدات خارجی و رشد اقتصادی: مطالعه تجربی ایران. فصل نامه علوم و فنون نظامی، شماره ۴۸، ۷۰ - ۴۱.

گل خندان، ابوالقاسم؛ خوانساری، مجتبی و گل خندان، داود (۱۳۹۴). نظامی گری و رشد اقتصادی: شواهدی تجربی از کشورهای منطقه منا در قالب الگوی پانل پویا. فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۸، ۵۰ - ۳۱.

مولایی، محمد؛ تاجعلی، الهام (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه اثر مخارج نظامی و غیر نظامی بر رشد اقتصادی ایران. فصل نامه راهبرد اقتصادی، شماره ۱۴، ۱۲۴ - ۹۷.

مولایی، محمد؛ گل خندان، ابوالقاسم و گل خندان، داود (۱۳۹۳). رابطه مخارج دفاعی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه راهبرد اقتصادی، شماره ۹، ۹۹ - ۷۳.

نوفرستی، محمد (۱۳۸۹). ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی، انتشارات رسا.

Abdel-Khalek, Gouda, Mazloun, Mohammed Gamal and Mohammed El Zeiny, Mohammed Ramadan (2020), " Military expenditure and economic growth: the case of India ", Review of Economics and Political Scienc, Vol.5, No.2, pp.116-135.

Aizenman, J. & Glick, R. (2006). Military Expenditure, Threats and Growth. The Journal of International Trade & Economic Development, 15(2), 129–155.

Ando, S. (2009). "The Impact of Defense Expenditure on Economic Growth: Panel Data Analysis Based on the Feder Model", the International Journal of Economic Policy Studies, 4(8): 141-154.

Aziz, M.N. & Asadullah, N. (2016). Military Spending Armed Conflict and Economic Growth in Developing Countries in the Post-Cold War Era. 9618, Discussion Papers 2016-03, University of Nottingham, CREDIT.

Daddi, P., D'agostino, G., Pieroni, L., & Steinbrueck, E. (2014). Does Military Spending Stimulate Growth? An Empirical Investigation in Italy, MPRA Paper, No. 58290.

Dunne, P., Smith, R. & D. Willenbockel (2005). "Models of Military Expenditure and Growth: A Critical Review", Defense and Peace Economics, 16(6):449-461.

Hendrickson, J.R., R.A. William Salte & B.C. Albrecht. (2018). Preventing Plunder: Military Technology, Capital Accumulation and Economic Growth, Journal of Macroeconomics, Vol.58, and pp: 154-173.

Hou, N. (2010). Arms Race, Military Expenditure and Economic Growth in India, A thesis submitted to University of Birmingham For the degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY, Department of Economics, The University of Birmingham.

Khan, Habibullah, & Yap, Wei Yim. (2000). Defense spending and economic growth: Further evidence with the ASEAN data. Business and behavioral sciences track section of economics and economic geography,7(9), 28.

Mowlaei, M. & Golkhandan, A. (2015). Dynamic Analysis of the Impact of Military Expenditure on Economic Growth in Oil and Non-Oil Countries in the Middle East. Iranian Economic Review, No. 19, 233-250.

Narayan, P. K. & R. Smyth (2009). "A Psnel Data Analysis of the Military Expenditure-External Debt Nexus: Evidence from Six Middle Eastern Countries", Journal of Peace Research, 235-250.

Ofino, E. E., & Orisadare, M. A. (2020). Analysis of Causal Nexus between Defense Spending and Economic Growth in Nigeria: A Toda-Yamamoto Approach. The Economics and Finance Letters, 7(1), 76-84.

Phiri, A. (2016). Does Military Spending Nonlinearly Affect Economic Growth in South Africa? Defense and Peace Economics, 4(1), 19-32.

Pradhan, R. P. (2010). Modeling the Nexus between Defense Spending and Economic Growth in Asean-5: Evidence from Cointegrated Panel Analysis. *African Journal of Political Science and International Relations*, 4(8), 297-307.

Raju, Mohammad Hasan and Ahmed, Zobayer (2019), " Effect of military expenditure on economic growth: evidences from India Pakistan and China using cointegration and causality analysi", *Asian Journal of German and European Studies*, (2019) 4:3

Saba, C. S., & Ngepah, N. (2020). Nexus between defence spending, economic growth and development: evidence from a disaggregated panel data analysis. *Economic Change and Restructuring*, 55(1), 109-151.

Shahbaz, M., Afza, T. & M. S. Shabbir (2013). "Does Defense Spending Impede Economic Growth? Co-integration and Causality Analysis for Pakistan", *Defense and Peace Economics*, 24(2): 105-120.

Yang, A.F., Trumbull, W.N., Yang, C.W & Huang, B. (2011), On the Relationship between Military Expenditure, Threat, and Economic Growth: A Nonlinear Approach. *Defense and Peace Economics*, 22, 449-457.

The Impact of Military Expenditures and Government Consumption Expenditures on Economic Growth in World Countries

Safiollah Bakhshali^{۲۳}, Mohamad.mehdi^{۲۴}, Hossin Bakhshal^{۲۵}

Abstract

Military expenditures is one of the most important and influential factors on macroeconomic variables, especially economic growth. Because it is possible to increase security and economic stability with the increase in military expenditures and lead to an increase in domestic and foreign investments, which will increase employment, GDP and economic growth. On the other hand, an unconventional increase in military expenditures may lead to restrictions on financial resources, thus reducing economic growth.

Leading research examines the impact of military expenditures and government consumption expenditures on the economic growth of countries by using data from 73 countries of the world for the period of 1980-2020, using the regression analysis technique of consolidated data (panel data) Paid. By performing data normality test, the unit root test to determine the reliability and heteroscedasticity test, it was found that government consumption expenditures are determined by first-order differentiation. Also, to select the appropriate model, Limer's F test and Hausman test were used, and the panel model with fixed effects was selected and used. The findings of the research show that government military expenditures as a percentage of GDP has a positive and significant effect on the economic growth of countries, and government consumption expenditures as a percentage of GDP has a significant negative effect on the economic growth of countries.

Keywords: government military expenditures, government consumption expenditures, economic growth, consolidated data model

Classification JEL: C32, H57, O40

۲۳ - Ph.D. in econometrics and International economy, member of the faculty of Imam Ali University, Tehran, Iran. bakhshali93@gmail.com

۲۴ Ph.D in finance, member of the faculty of Imam Ali University, Tehran, Iran. Mohamad.mehdi@ut.ac.ir

۲۵ Master of Business Management – Strategy. bhossein2019@gmail.com